



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از کوهن تا مردم: کدوشیم

تقدیس نام خدا: امور

Sanctifying the Name

Emor

در سال های اخیر اغلب از شنیدن گزارش های مربوط به رهبران اسرائیل یا رهبران یهود که رفتارهای غیراخلاقی آنها افشا شده، احساس مصیبت کرده ایم. یک رئیس جمهور متهم به آزار جنسی. یک نخست وزیر مجرم در زمینه فساد مالی و رشوه گیری. ربای ها در چندین کشور متهم به سوء استفاده مالی، تجاوز جنسی و آزار کودکان. این که چنین اتفاق هایی می افتند، نشانگر ناخوشی عمیقی در زندگی یهودیان در دوران حاضر است.

چیزی بیش از اخلاق در معرض خطر است. اخلاق، جهانشمول است. رشوه گیری، فساد مالی و سوء استفاده از قدرت خطا هستند و هر کس چنین کند خطاکار است. اما وقتی خطاکاران از میان رهبران هستند، چیزی بیشتر در میان است: اصولی که در پاراشای این هفته ما بیان شده اند در زمینه *Kiddush Hashem and Chillul Hashem* [تقدیس نام خدا و خفیف کردن نام خدا]:

نام مقدس مرا آلوده مساز زیرا من باید در میان بنی اسرائیل تقدیس شوم. من خداوند هستم که شما را تقدیس کرده ام..." (لاویان ۲۲:۳۲)

مفاهیم تقدیس و تخفیف نام خدا دارای تاریخچه ای هستند. هرچند این مفاهیم ازلی و ابدی هستند، اما جوانب آنها در طول زمان آشکار شده اند. بنا به دیدگاه ابن عزرا این آیه در پاراشای ما معنایی باریک و مختص همان جا دارد. بخشی که در آن این مفاهیم آمده اند مربوط به وظایف خاص کوهنیم است و مراقبت خاصی که باید در محراب برای خدمت به خدا رعایت کنند. کل بنی اسرائیل مقدس است، اما کوهنیم برگزیدگانی مقدس از میان ملت هستند. وظیفه آنها حفاظت از پاکی و شکوه محراب همچون خانه ای نمادین برای خداوند در میان ملت بود. پس دستورها برای کوهنیم وظایفی اصولی مقرر کرده اند که همچون نگهبانان مکان مقدس سرمشق باشند.

بعد دیگر این مفاهیم توسط انبیاء یهود آشکار شد. آنها عبارت *Chillul Hashem* [خفیف ساختن نام خدا] را برای توصیف رفتاری ضد اخلاقی که قانون خدا همچون قواعد عدالت و شفقت را زیر پا می گذارد، به کار می برند. عاموس از مردمی سخن می گوید که "چنان که گویی به زمین لگد می زنند، بر سر فقیران می کوبند و عدالت را از

ستمديدگان دريغ مي دارند... و اين گونه نام مقدس مرا آلوده مي سازند. " (نگاه كنيد به عاموس ۲:۷)

يرميا *Chillul Hashem* يا تخفيف نام خدا را براي توصيف رفتار آنهايي به كار مي برد كه قانون را از اين طريق زير پا مي گذارند كه برده هاي خود را آزاد مي كنند فقط براي اين كه دوباره آنها دستگير كنند و به بردگي بگيرند (يرميا ۳۴:۱۶). ملاخي، آخرين انبيا، به كاهنان فاسد زمان خود چنين مي گويد:

نام از آنجا كه خورشيد سر مي زند تا آنجا كه غروب مي كند در ميان ملل تقدس مي شود... اما شما آنها آلوده مي سازيد (ملاخي ۱۱-۱۲:۱).

حكيمان تلمودي^۱ بر آن بودند كه ابراهيم همين ايده را بيان مي كرد وقتي با طرح خدا براي نابودي سدوم و گمورا چالش كرد كه چنين كاري به معنای مجازات درستكاران همراه بدكاران است:

از توبه دور است [*chalilah lecha*] كه چنين كني.

خدا و قوم خدا بايد مظهر عدالت باشند. اگر در اين كار شكست بخورند، *Chillul Hashem* کرده اند [نام خدا را خفيف ساخته اند].

بعد سومي در كتاب حزقيال رو مي شود. قوم يهود يا دستكم بخش بزرگي از آنها به زور به تبعيد بابل رفتند. ملت شكست را تجربه كرد. معبد ويران شد. براي تبعيدشدگان اين يك تراژدي انساني بود. آنها زادگاه، آزادي و استقلال خود را از دست داده بودند. اين،

¹ Bereishit Rabbah 49:9.

همچنین یک تراژدی روحانی بود: "چگونه دیگر سرود خداوند را در سرزمینی بیگانه بخوانیم؟"² اما حزقیال آنها همچون یک تراژدی برای خدا نیز دید:

ای پسر انسان! وقتی بنی اسرائیل در سرزمین خود می زیستند با رفتارها و اعمال خود آنها را آلوده ساختند... من آنها را در میان ملل پراکنده ساختم و آنان در کشورهای گوناگون پخش شدند؛ من ایشان را بنا به رفتارها و اعمالشان قضاوت کردم. و آنها هر جا که رفتند، در میان ملل دیگر، نام مقدس مرا آلوده ساختند، زیرا درباره می گفتند: "اینها قوم خدا هستند و با این وجود باید سرزمین خدا را ترک می کردند". (حزقیال ۱۷-۳۶:۲۰)

به تبعید رفتن [گالوت] خفیف شدن نام خدا بود، زیرا همین که خدا قوم خود را مجازات کرده و گذاشته بود شکست بخورند، توسط ملل دیگر این گونه تفسیر می شد که خدا قادر به حفاظت از آنها نبود. این یادآور مناجات موسی پس از ماجرای گوساله طلایی است:

"خدایا چرا خشم خود را علیه قوم خودت که آنها را با چنان قدرت و جبروت از مصر خارج کردی، فروود می آوری. چرا مصریان بتوانند بگویند که تو آنها را با نیت بد خارج کردی تا آنانرا در میان کوهستان بکشی و از پهنه عالم محو کنی؟ خشم بی امان خود را خاموش کن و از نزول مصیبت بر سر قوم خود درگذر." (خروج ۱۱-۳۲:۱۲)

این بخشی از موقعیت الهی است. خدا با برگزیدن بنی اسرائیل جهت همراه کردن نام خود با آنها اینک میان خواست عدالت از یک سو و نگاه ملت ها از سوی دیگر قرارداد. آنچه به نظر بنی اسرائیل مجازات خداست، از دید ملت های دنیا یک ضعف است. در چشم ملت ها

² Psalm 137:4.

که خدایان خود را عین قدرت می دیدند، تبعید بنی اسرائیل تفسیر دیگری نداشت جز بی قدرتی خدای اسرائیل. حزقیال می گوید که این تخفیف نام خدا یا *Chillul Hashem* است.

معنای چهارم در دوران معبد دوم آشکار شد. بنی اسرائیل به سرزمین خود برگشته و معبد را بازسازی کرده بودند. اما آنها ابتدا از سوی یونانیان سلوکی در زمان حکومت آنتیوخوس چهارم و سپس از سوی رومی ها مورد حمله قرار گرفتند که هر دو کوشیدند اجرای اصول و آیین های یهودیت را غیرقانونی کنند. برای نخستین بار شهید شدن به موضوع مهمی در زندگی فرد یهودی تبدیل شد. این پرسش به میان آمد: در چه شرایطی یهودیان باید جان خود را فدا کنند، اما از قانون یهود سرپیچی نکنند؟ حکیمان این آیه را یادآور می شوند: "باید احکام و قوانین مرا که هر فردی باید آنها را نگه دارد و با آنها زنده بماند، رعایت کنی" (لاویان ۵: ۱۸) این گونه تفسیر کردند که "و با آنها نمیرد"³ و نتیجه می گیرند که نجات دادن زندگی مقدم است بر رعایت کردن بیشتر احکام و قوانین. اما سه قانون استثنا هستند: منع قتل نفس، روابط نامشروع، و بت پرستی که حکیمان مقرر ساختند مرگ را باید بر انجام آنها ترجیح داد. حکیمان همچنین گفتند که "در زمان پیگرد" فرد باید به قیمت مرگ مقاومت کند در برابر انجام هر عملی که می تواند به معنای روی کردن به سوی دشمن، خیانت و درهم شکستن روحیه آنان که به ایمان خود وفادار مانده اند، باشد. در این دوران بود که عبارت *Kiddush Hashem* یا تقدیس نام خدا، برای بیان خواست شهید شدن به کار رفت.

یکی از تلخ ترین پاسخ های جمعی یهودیان این بود که همه قربانیان هولاکاست را "شهیدان راه تقدیس نام خدا" اعلام کردند، یعنی شهادت در راه تقدیس نام خداوند. این

³ Yoma 85b.

یک فتوای افراطی نبود. در گذشته شهادت به معنای برگزیدن مرگ در راه خدا بود. یکی از جنبه های شیطانی نسل کشی نازی ها این بود که به یهودیان هیچ قدرت انتخابی ندادند. یهودیان پیشاپیش با اعلام شهادت بودن مرگ قربانیان، به آنها کرامت مرگی احترام آمیز را بخشیدند در ازای حرمتی که در زمان زنده بودن با بیرحمی از آنها غارت شده بود.⁴

یک بعد پنجم هم در این مفاهیم آشکار شد که موسی بن مایمون چنین بیان می کند:

اعمال دیگری نیز هست که در رده تخفیف نام خدا قراردارند. وقتی فردی با مرتبت بالا در فهم توره و مشهور به زهد اعمالی مرتکب می شود که هرچند سرپیچی از قوانین و احکام نیستند، اما مردم را واهی دارند تا در مورد آنها به بدی سخن بگویند و این نیز تخفیف نام خداوند است. زیرا وقتی مردم از او به بدی نام ببرند، همچنین نام خدا نیز خفیف شده است... همه اینها به مرتبه آن حکیم بستگی دارد...⁵

کسانی که دیگران به آنها همچون سرمشق خود نگاه می کنند، باید همچون سرمشق رفتار کنند. پرهیزکاری در برابر خدا باید همراه باشد با رفتار سرمشق وار در رابطه با همنوعان خود. وقتی آدم ها دیندار بودن را با صداقت، شرافت، فروتنی و شفقت همراه می بینند، نام خدا تقدیس می شود. وقتی آنها دینداری را همراه می بینند با خیانت به دیگران و به قانون، نتیجه، خفیف شدن نام خدا است.

⁴ There was a precedent. In the *Av ha-Rachamim* prayer (See the *Authorised Daily Prayer Book*, p. 426), composed after the massacre of Jews during the Crusades, the victims were described as those "who sacrificed their lives *al kedushat Hashem*." Though some of the victims went to their deaths voluntarily, not all of them did.

⁵ Mishneh Torah, *Hilchot Yesodei HaTorah* 5:11.

در هر پنج بعد معنایی این دو مفهوم، یک ایده انقلابی مشترک است که در تعریف یهودیت جای دارد: خدا با این تصمیم که نام خود را با یک ملت خاص و منفرد همراه سازد، شهرت و نام خود را در برابر ملت های دنیا را به خطر انداخته است. خداوند، خدای همه بشریت است. اما خدا اسرائیل را به "شاهدی" و سفیری خود برای دنیا برگزیده است. وقتی ما در این نقش شکست بخوریم، حرمت خدا در چشم جهانیان خفیف شده است.

برای حدود دو هزار سال، ملت یهود، خانه، سرزمین، حقوق مدنی، امنیت، و توانایی هدایت سرنوشت خود را نداشت. این ملت در نقشی که مکس وبر آنرا "ملت مطرود" می نامد، تثبیت شده بود. یک مطرود بنا به تعریف نمی تواند یک سرمشق مثبت باشد. در اینجاست که تقدیس نام خدا ابعادی تراژیک به خود گرفت و تبدیل به خواست شهید شدن در راه ایمان شد.

امروز دیگر این چنین نیست. اکنون برای نخستین بار در تاریخ، یهودیان هم سروری و استقلال در کشور اسرائیل دارند و هم آزادی و مساوات در جاهای دیگر. پس امروز تقدیس نام خدا باید به معنای مثبت آن همچون شرافت مثال زدنی در زندگی اخلاقی فهمیده شود.

این چیزی است که هیتی ها را واداشت تا ابراهیم را "شاهزاده خدا در میان ما" بنامند؛ این چیزی است که موجب ستایش کشور اسرائیل هنگام ارسال کمک های بین المللی بشردوستانه می گردد. مفاهیم تقدیس و تخفیف نام خدا ارتباطی ناگسستنی برقرار ساخته میان امر مقدس و امر خیر. اگر این را از دست بدهیم، رسالت خود همچون "ملتی مقدس" را از دست داده ایم.

این باور که یهودی بودن همراه است با خواست عدالت و اجرای اعمال شفقت و احسان، موجب شده که نیاکان ما با وجود همه فشارها برای کنار گذاشتن یهودیت، به آن وفادار مانده اند. تراژدی مطلق خواهد بود اگر ما این ارتباط را اینک و درست در لحظه ای از دست بدهیم که در موقعیت مساوی با دنیا قرار داریم.

در زمان های دور ما فراخوانده شدیم تا به دنیا نشان دهیم که دین و اخلاق همراه یکدیگرند. این همراهی هیچ زمان دیگری مانند زمان ما که در برخی کشورها خشونت بر پایه دین و در برخی دیگر گریز شتابان از دین جریان دارد این اندازه لازم نبوده است. یهودی بودن یعنی سرسپردگی به این اصل که دوست داشتن خدای مهربان، یعنی دوست داشتن تصویر او که در نهاد بشریت به ودیعه نهاده شده است. در قرن بیست و یکم هیچ چالشی بزرگتر و فوری تر از این وجود ندارد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved